

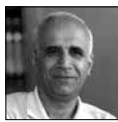
## جلوه‌هایی از روشنفکری ایرانی در آستانه قرن بیستم

به نام «میکادو نامه» دست یازید. این کتاب، تاریخچای منظوم از جنگ ژاپن و روس (۱۹۰۴-۱۹۰۵) بود ولسی در بطن خود حاوی پایه‌های فکری سراینده و نگاه او به مسائل داخلی ایران، منطقه و جهان نیز هست؛ نگاهی که می‌تواند ششابه اندیشه سیاسی بخشی از جریانات روشنفکری ایران در سده نوزدهم باشد.

لازم است تالاشی در جهت شناخت اندیشه سیاسی و اجتماعی سراینده میکادو نامه، به‌عنوان یک روشنفکر قرن نوزدهمی ایران صورت پذیرد.

**گفت‌وگو با «سیدصادق سجادی»**، مدیر بخش تاریخ مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی درباره «فارسِ تاریخی»

# بازشناسی «فارس» در هزاره‌های کهن



**علی میرانصاری**  
مدیر بخش ادبیات دانشنامه ایران

در سال ۱۹۰۵، یعنی یک سال پیش از انقلاب مشروطیت، یکی از روشنفکران گمنام ایرانی به نام حسینعلی تاجر شیرازی که پرورده محیط فرهنگی هند و پا به تعبیری دیگر، پرورده حوزه شرقی روشنفکری ایرانی بود، به سرودن منظومه‌ای



**حمیدرضا محمدی**  
روزنامه نگار

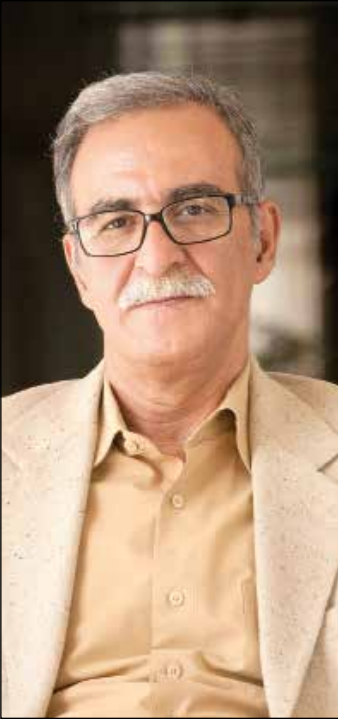
به لحاظ اقلیمی و جغرافیایی، گسترده‌ای گسترده دارد، به نام «فارس» خوانده می‌شود اما به آن «فارس تاریخی» اطلاق می‌شود. پیشینه آن به هزاره‌های کهن بازمی‌گردد. نمونه واضح و بارز آن در دوره باستان، پارس‌ها – به عبارتی هخامنشیان – بودند و پاسارگاد و پارسه، نماد و نماینده آن به‌شمار می‌رود. پس از اسلام اما این منطقه همچنان اتقان و اعتبار خود را حفظ کرد، چنان‌که نخستین مساجد دوره اسلامی در این پهنه ساخته شده و حتی – به سیاق روزگار پیش از اسلام – شیراز، پایتخت حکومت‌های ملی و محلی چون دلمیان، آل بویه، آل مظفر، آل انبجو، اتابکان فارس و زندیه بوده است. و جز این به‌سبب نزدیکی به خلیج فارس و به تبع آن هند، میزان مبادلات اقتصادی این ناحیه، حدی وسیع دارد، چنان‌که در دوره اسلامی، شمال آن حتی به یزد می‌رسد و شرقش به سیرجان و جیرفت. از آن سو هم اما تا دشتستان و خوزستان نزدیک می‌شود. آداب و رسوم و مفاخر هم خود مدخلی مستوفاست و می‌توان بسیار از آن نوشت. به سبب همین اهمیت و جایگاه و پایگاه این ناحیت، فردا و پس فردا (۱۵ و ۱۶ آذر) از ساعت ۹ صبح تا ۱۸، شهر شیراز (تالار حافظیه) میزان نخستین همایش بین‌المللی تاریخی- فرهنگی جنوب ایران (فارس تاریخی) است. به این بهانه، با سید صادق سجادی، مدیر بخش تاریخی مرکز دایره‌المعارف اسلامی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.
همچنین سه‌چکیده مقاله که از سوی نویسندگان آنان، اختصاصاً در اختیار «جامعه‌فردا» قرار گرفته، در پی می‌آید.

**آقای دکتر سجادی! جنوب ایران باهمان فارس تاریخی به لحاظ تاریخی فرهنگی چه اهمیتی داشته و از چه جوانبی قابل بررسی است؟**

عنوان خاص «فارس تاریخی» قسمتی از استان‌های خوزستان و هرمزگان را هم دربر دارد. مثلاً در دوره آل بویه قسمت‌های بزرگی از این مناطق که اکنون استان‌های جدا هستند در زمره قلمرو فرمانروایان آل بویه فارس بوده است. عنوان اولیه همایش هم ناظر بر همین معنای وسیع بود که بعد کوچک‌تر شد، گرچه همچنان همان نگاه وسیع به لحاظ اقتصادی دارد، به هر حال صفحات جنوب ایران از پیش از اسلام یکی از مهم‌ترین نقاط قلمرو امپراتوری ایران از عصر هخامنشیان به این سو بوده است، طبیعتاً به این دلیل که مسیر بهر خلیج‌فارس یا سر درتبرنگویوم درای پارس، سطرهای واقعی و گسترده بوده است و هم اینکه در ایران همیشه مراب قطعی‌ای از مرزهاو خارج مرزهای جغرافیایی ایران برای جلوگیری از هجوم بیگانگان بودند. بنابراین تسلط بر خلیج‌فارس درای پارس و نظارت بر کرانه‌های جنوبی این دریای بزرگ از قدیم‌الایام جزء سیاست‌های فرمانروایان ایران بوده است. هر چند اطلاعات تاریخی درباره این قلمرو در ایام ایران پیش از اسلام کم است اما کتیبه‌ها یا اطلاعاتی که مورخان یونانی و در دوره ساسانیان، مورخان ایرانی و رومی و سپس در عصر اسلامی مورخان عربی نوس ایرانی و غیرایرانی داده‌اند نشان می‌دهد ایرانیان کلاً بر دریای پارس تسلط بودند و دریای پارس نوعی دریای داخلی ایران محسوب می‌شده است. دانستن تسلط ایرانیان بر یمن به درخواست سیف بن ذی‌یزن مشهور است، ایرانیانی که وارد یمن شدند، بعداً یک طیفه خاص و شاید بتوان گفت طیفه شرقیان یمن را تشکیل می‌دادند. در دوره اسلامی هم از نخستین گروه‌هایی بودند که در جنوب شبه‌جزیره عربی به اسلام گرویدند. ایرانیان بودند که در منابع ما از آنها با عنوان ایسنا، آزادان و بعضی عناوین دیگر یاد شده است. ایرانیان یمن با بعضی از پیامبران دروغین جنگیدند و گسترش اسلام در جنوب شبه‌جزیره عربی و جنوب ایران تا حد بسیار زیادی از مرهن کوشش‌های آنهاست، بنابراین ایران از قدیم‌الایام متناقص سیاسی و اقتصادی در کرانه‌های جنوبی و البته شمالی دریای پارس داشته است. همچنین دریای پارس آبراه‌های بسیار مهم از لحاظ اقتصادی است، خصوصاً در قرون جدید اهمیت آن چند برابر شده است به دلیل اینکه نبش اقتصاد نفت – لاقال دران سوی جهان – در اینجا واقع است و کشورها و اطراف این دریا با استفاده از این آبراه بسیار مهم، اقتصاد خود را می‌چرخاند. ایرانی‌ها طبیعتاً منافع کلان در این منطقه دارند و باید همواره به لحاظ سیاسی، استراتژیک و اقتصادی مراقب منافع خود باشند. این منطقه نقش بسیار بزرگی در تحولات سیاسی و اقتصادی ایران از قدیم‌الایام و پیش از اسلام داشته است. در عصر اسلامی تعدادی از بزرگ‌ترین فرمانروایان ایرانی بر اینجا مسلط بودند.

**آیا این اهمیت به لحاظ اقتصادی پیش از اسلام هم وجود داشته است؟**

بسیار اهمیت داشته است، زیرا محصولاتی که از شبه‌قاره هند یا چین به ایران می‌آمده از این طریق به سمت اروپا می‌رفته است و در حقیقت بازار یا دروازه اصلی بازار اجناس شرق به سمت اروپا اینجا



کتاب فارس تا اسلام

### داریوش بزرگ و جغرافیای خاور نزدیک در دوره هخامنشی



پژوهشگر مرکز ایران‌شنسی ساموئل جردن دانشگاه کالیفرنیا (روایان آمریکا)

داریوش بزرگ (۵۵۰ تا ۴۸۶ ق.م) هخامنشی در نیشه‌ای به «دریای که از سرزمین پارس می‌آید» اشاره می‌کند که بسیاری آن را نخستین اشاره به خلیج فارس می‌دانند، در صورتی که به‌نظر می‌رسد نخستین اشاره به نام خلیج فارس به‌صورت Sinvs Persicus در نوشته هکاتیوس میلئوسی جغرافیدان یونانی (حدود ۴۷۶ ق.م) آمده باشد. بنا براین، با این

بوده است و ادویه هند از این منطقه به سمت اروپا می‌رفته است. در دوره سبطره انگلستان بر شبه‌قاره هند هم دریای پارس، مهم‌ترین ممر کالاهای هند به‌خصوص ادویه آن به سمت اروپا بوده است. ابریشم چین و ایران هم همین‌طور از طریق راه‌های زمینی و همین دریا به غرب می‌رفته و بسیار به لحاظ اقتصادی و تجاری مهم بوده است. بنا بر این منافع ایران همیشه حکم می‌کرده است که بر این دریا مسلط باشد. یکی از دلایلی که انگلستان بسیار کوشش کرد تا اندازه بسیار زیادی موفق شد که بر دریای پارس مسلط شود و بعد حکومت‌هایی در اینجا و قرون جدید پدید آورد – یعنی در جزایر بحرین، امارات و حتی قسمتی از شبه‌جزیره عربستان اصلی این بود که می‌خواستند تسلط بر ایرانی‌ها را بر این دریا کم کنند تا بتوانند شبه‌قاره هند را با ایجاد حکومت‌های رقیب، کوچک و بزرگ ایجاد نزاع و کشمکش نگاه دارد و گر نه جزایری که در قرن گذشته میلادی به دولت‌های کوچک عربی در خلیج‌فارس تبدیل شده‌اند عمدتاً ایرانی بودند و اسناد تاریخی نشان می‌دهند که در قلمرو ایران بوده‌اند. به هر حال صفحات جنوب برای ایران همیشه مهم بوده است و حکومت‌های ایرانی بعد از اسلام نگاه خاصی به این قسمت داشته‌اند؛ کوشش‌های صفویان برای تسلط بر خلیج‌فارس، بیرون راندن پرتغالی‌ها و دست گرفتن زمام امور سیاسی و اقتصادی آنجا از کارهای مهمی بود که در این دوره انجام شد. در عصر زندیان هم همین‌طور و در عصر قاجاریان به‌رغم ضعف بسیاری زبانشان هنوز تعداد زیادی از جزایر دریای پارس که اکنون کشورهای کوچک بحرین، امارات، قطر و غیره به‌شمار می‌روند و در صحنه سیاسی خلیج‌فارس موجود اند یا هم‌دار دولت ایران بوده‌اند و اسناد آن همچنان موجود است. در قرون قدیم‌تر و از دوره ظهور دولت‌های مستقل ونیمه‌مستقل ایرانی در عصر خلافت داشتند، باز هم فارس قطعه‌ای بسیار مهم تلقی می‌شد. فارس در نقطه‌ای واقع است که از یک طرف به کرمان و صفحات شرقی دسترسی دارد و از طرف دیگر به تصام جزایر خلیج‌فارس و کرانه‌های جنوبی یعنی شبه‌جزیره عربی، از قسمت غرب به عراق و بعد هم با شامات مرتبط است و حکومتی که آل بویه و عمادالدوله در فارس تشکیل داد به سرعت توانست منطقه‌ای که نام دره مسلط شود. مثلاً یکی از مهم‌ترین دلایلی که آل بویه با دقتی بر بگویم معزالدوله توانست در سال ۳۳۴ قمری بر بغداد مستولی شود، این بود که برادرش عمادالدوله بر فارس استیلا داشت و از اینجا جنگ و جدال شروع شد. در همین دوره آل بویه برادرش عمادالدوله بر فارس استیلا داشت و از اینجا جنگ و جدال شروع شد. در همین دوره آل بویه غالباً آن تعیین می‌کردند. کرمان هم همین‌طور به دست آنها بود و از وقتی معزالدوله کرمان را تصرف کرد تا مدت‌ها این ولایت در دوران اوج قدرت‌شان در قلمرو آل بویه بود.

**اما ظاهراً در دوره مغول از حملات آنها ممنون ماند.**



تخت جمشید، دوره قاجار

### بادداشت

### گفت و گو



فرهنگ آذربایجان هم طبیعتاً تند خواهد شد. درباره فارس هم چنین نیتی وجود دارد؛ بناست طرح جامعی آماده کنیم که آن را به تصویب شورای عالی علمی برسانیم و به‌عنوان یک کار علمی بزرگ که باید در این مملکت انجام شود، شروع کنیم.

**بخشی از اهمیت فارس مفاخری هستند که از این منطقه برخاسته‌اند و آثار علمی- ادبی‌ای که نوشته شده است، از این جهت نیز صحبت کنید.**

هنگامی که درباره فارس تاریخی، سیاست، اقتصاد، و عنایت و تمدن صحبت می‌کنیم همه مردان و زنان بزرگی که در این خطه ظهور کرده‌اند دست‌ی در تحولات فرهنگی داشته‌اند.م از شعر، نویسندگان، پزشکان، فرمانروایان، دیوانسالاران بزرگ و هر کسی که نقشی در ایجاد یا تحول یک زمینه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داشته است قطعاً باید مورد بررسی و عنایت در این مجموعه قرار گیرد. فارس رجال بسیار بزرگ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته است و خاندان‌های بسیار بزرگی در فارس وجود داشته‌اند. که ایجاد آنها نقش‌های بسیار مهم ایفا کرده‌اند. درباره اینها قطعاً باید تحقیق شود. مورد توجه قرار گیرند. در خاندان‌های قدیم فارس اسناد و مدارک گرانبهائونز وجود دارد و من تا اندازه‌ای از این اسناد مطلع هستم، می‌شود به طرقی از خود آنها و فضایی خاندان‌هایی که منشتر شده دیده می‌شود. کسان‌ی از آنها که در اختیار محققان بگذرانند یا خودشان در این زمینه‌ها تحقیق کنند.

**از فارس تاریخی در سفرنامه‌های سیاحان فرنگی هم‌ذکری به میان آمده است؟**

بله، تمدادی از سیاحان فرنگی به فارس رفته‌اند، یعنی سرزمین‌های جنوبی ایران را دیده‌اند و اطلاعات مهمی در آثار خود آنها‌یی که اثر یا سفرنامه‌ای نوشته‌اند و منتشر شده دیده می‌شود. کسان‌ی از آنها که فارس را دیده‌اند و درباره آن چیزی نوشته‌اند، با علاقه‌از آن یاد کرده‌اند؛ زیرا قسمت مهمی از تاریخ ایران را در این سرزمین می‌دیدند. چه بخشی بزرگ از آنچه از هخامنشیان و ساسانیان باقی مانده است، در منطقه فارس تاریخی است و غالب جهانگردان اروپایی هم برای دیدن آنها به این منطقه می‌آمدند و نوشته‌های بسیاری از اینها باقی مانده است.

**در وصف شیراز هم مطالبی وجود دارد؟**

بله در باره شیراز هم مطالب فراوانی وجود دارد. شیراز از قدیم مرکز فارس بوده است و تخت جمشید خیلی دور از شیراز نیست. در دوره اسلامی هم مرکز آل بویه فارس در شیراز بود. بعد هم شیراز در دوران بعدی هم از مراکز مهم حکومت‌های ایرانی بود. در دوره آل مظفر مرکز بسیار بسیار مهمی به لحاظ فرهنگی بود، شعرای درجه اول در فارس ظاهر شدند.

**به نظر می‌رسد خوش آب و هوا بودن شیراز در توصفات بیشتر نقش داشته است و حتی در شعر شعرا هم به چشم می‌خورد.**

بله، شیراز در صفحات جنوب ایران شاید به لحاظ وضع اقلیمی و کشاورزی داریم، اما شیراز از قدیم وضعیت خاصی داشته است، است، به این دلیل که محلی برای دسترسی به دریا بوده است، یعنی به سمت استان هرمزگان، بوشهر و… از این طرف به خوزستان اصلی، عراق و از طرف دیگر به ایران مرکزی. همیشه یک نوع مرکزیت وجود داشته است و شیراز را خصوصاً تبدیل به مرکز فارس و یکی از شهرهای بسیار مهم صفحات

## جهان ایرانی

## معماری فردا

## ۱۰ ۷ ۱۰

### انگاره

### گویش شیرازی کهن



**محمود جعفری‌دهقی**  
استاد زبان‌های باستانی ایران دانشگاه تهران



کازرسواری در سوزان دیورقاجار

از گویش شیرازی در سده هفتم تا نهم هجری گزارش‌های قابل‌توجهی در دست است که ما را در بازشناسی این گویش یاری می‌کند. شاه داعی‌الله شیرازی، یکی از شاعران گرانقدر این زمان است که مفاهیم عرفانی را در قالب غزل‌ها، ترکیب‌بندها و دیگر انواع شعر ریخته و ضمن طرح نکته‌های فلسفی و عرفانی به ثبت وضبط این اندیشه‌ها در بخشی به گویش شیرازی پرداخته است.

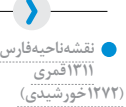
از دیگر منابع ارزشمند که از گویش شیرازی در سده هشتم هجری به دست رسیده «دیوان شمس پس ناصر» (شمس پسر ناصر) است، وی که تمامی اشعار خود را به گویش شیرازی سروده در عهد شاه شیخ ابواسحق می‌زیسته و از نام او در یکی از اشعار خود یاد کرده است. افزون بر این، تک‌بیت‌ها و شواهد مندرج در فرهنگ‌های فارسی نظیر لغت فرس اسدی، صحاح‌الفرس، شرفنامه منیری، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ فارسی وایلی، مجمع‌الفرس سبوری، برهان قاطع و برخی واژه‌ها و اصطلاحات پزشکی در الصیدنه ابوریحان بیرونی، صحاح‌الدویه، اختیارات بدیعی، مناهل الانظار و نمونه‌های ارزشمندی از این گویش در قالب ملمعی از خواجه شیراز و ترکیب‌بندی از شیخ اجل سعدی آمده است. نمونه‌های دیگری نیز از گویش شیرازی قدیم در فردوس المرشدیه مربوط به احوال شیخ ابواسحق کازرونی، بیتی از روزبهان بقلی شیرازی در اخلاق علائی تألیف هبه‌الله حسینی شیرازی، یک غزل ملمع از قطب‌الدین شیرازی در سیمه‌الدرر، بیتی در کتاب تجزیه‌الامصار شرف‌الدین عبدالله معروف به وصاف‌الحضره، قطعه‌ای دوبیتی با عنوان «الشیرازی‌ه» در نسیم‌الرابع از محمدبن احمد الصوفی السمرقندی که در ترجمه کتاب ربیع‌الابرار زمخشری است، قصیده و غزل و سه رباعی در دیوان ابواسحاق اطعمه، ابیاتی در دیوان السبه محمود نظام قاری و ابیاتی در دیوان عرفان شیرازی مندرج است.

به‌نظر می‌رسد که گویش شیرازی سده‌های سوم و چهارم هجری که اصطخری در مسالک‌الممالک از آن به عنوان «الفارسیه»، یعنی زبان منطقه فارس ی‌یاد می‌کند دنباله زبان شیرازی میانه است که خود شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی میانه غربی بوده است. شیرازی میانه نیز احتمالاً بازمانده گونه‌ای از فارسی باستان به نام شیرازی باستان بوده است که امروز از آن سندی در دست نیست. آنچه مسلم است اینکه گویش شیرازی قدیم به‌مرور و در مراحل بعدی تحول خود با فارسی در به‌عنوان زبان مشترک مردم ایران درآمخته است.

بررسی ویژگی‌های گویش شیرازی براساس متون مربوط به سده‌های هفتم تا نهم هجری نشان می‌دهد که این گویش با فارسی دری تفاوت‌های چشمگیری داشته است. زبان فارسی دری که خاستگاه آن تیسفون و جایگاه گسترش و رشد آن خراسان قدیم بود از سده‌های سوم و چهارم هجری به‌عنوان زبان رسمی ادبی و سیاسی ایران زمین شناخته شد. شاعرانی که از ولایات شرقی ایران برخاستند با سرودن اشعار فارسی و تدوین متون ادبی و تاریخی به گسترش زبان فارسی دری پرداختند. حکیم طوس با سرودن شاهنامه به پاسداری و حفظ سنت‌ها و فرهنگ ملی ما نائل شد. با این همه، ظاهراً هر یک از شهرها و ولایات در کنار فارسی دری، گویش‌های خاص خود را نیز به کار می‌گرفتند و گاه نیز آثار ادبی و فرهنگی را به هر دو گویش ارائه می‌کردند.



آرامگاهسعدی، دیورقاجار



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



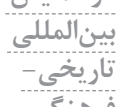
نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



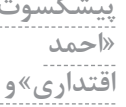
نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



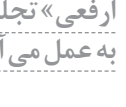
نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)



نقشه ناحیه فارس تاریخی ۱۲۴۱قمری (۱۷۲۲خورشیدی)